

---

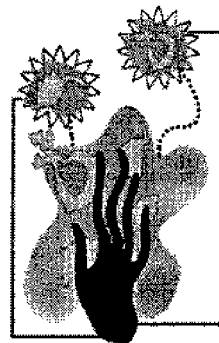
## پیوند و همکاری متقابل بهائیت و صهیونیسم

---

محمدرضا نصری

## اشاره

بهائیان، فرقه‌ای از آئین بابی هستند که خود، برخاسته از مکتب شیخی تفکر رکن رابع است. مؤسس اصلی آئین بهائیت، میرزا حسینعلی نوری است که ابتدا پیرو باب بوده و در تبلیغ و ترویج بابیت تلاش می‌کرده است. و با استقرار در عکای فلسطین اشغالی و حمایت دولتمردان انگلیسی و آمریکا فرقه ضالّه بهائیت شکل گرفت و با توجه به اهداف مشترک با صهیونیسم‌ها پیوندی بین آنها بوجود آمده است.



## مقدمه

در سال ۱۲۶۵ ق، شورش بابی‌ها در ایران پیش آمد و در پی آن، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، به دستور ناصرالدین شاه تصمیم به سرکوبی آنان گرفت. دوشنبه، ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ ق، علی‌محمد باب در تبریز اعدام شد و طبق وصیت میرزا یحیی، رهبری بابیان را بر عهده گرفت. از طرفی امیرکبیر به سبب نقش مهم حسینعلی در شورش‌های بابیان، از وی خواست ایران را به قصد کربلا ترک کند. وی در شعبان ۱۲۶۷ ق به کربلا رفت و با قتل امیرکبیر در ربیع‌الاول ۱۲۶۸ ق و روی کار آمدن میرزا آقاخان نوری به ایران بازگشت. مدتی بعد (شوال ۱۲۶۸ ق)، ترور نافرجام ناصرالدین شاه پیش آمد و بار دیگر دستگیری و اعدام بابی‌ها آغاز شد. میرزا حسینعلی برای مصون ماندن از دستگیری و اعدام، به مقر تابستانی سفارت روس در زرگنده شمیران پناه برد. او مورد حمایت سفیر روس قرار گرفت، تا این- که از سوی حکومت ایران، به بغداد تبعید شد و این شهر و شهرهای کربلا و نجف، مرکز فعالیت بابی‌ها گشت.

میرزا یحیی - که عموم بابیان او را جانشین باب می‌دانستند - هنگام ترور ناصرالدین شاه، به نور رفته بود. او، چهار ماه زودتر از برادرش (حسینعلی) مخفیانه وارد بغداد شده بود و حتی پس از ورود حسینعلی، بیشتر اوقات در خفا بود. این مسأله سبب شد حسینعلی گهگاه نزد خواص، ادعاهایی مطرح کند. وقتی این موضوع به گوش میرزا یحیی رسید، حسینعلی نوری، دو سال - با نام مستعار درویش محمد - بغداد را ترک کرد و به جبال سلیمانیه عراق رفت. و بعد از بازگشت به سوی برادرش (سال ۱۲۷۸ق)، کتاب ایقان را در اثبات ادعاهای باب نوشت و بر جانشینی میرزا یحیی تأکید کرد.

### اختلاف دو برادر و انشعاب در بابیت

از طرفی به سبب بروز برخی مشکلات و اختلافات میان بابی‌ها و مسلمانان و اعتراض مردم به دولت عثمانی و به تبع آن به دولت ایران، دولت عثمانی - با هماهنگی دولت ایران - در اوایل سال ۱۲۸۰ق آنان را از بغداد به استانبول و پس از چهار ماه، به ادرنه کوچ داد. هم‌زمان با خروج بابی‌ها از بغداد، میرزا حسینعلی، ابتدا در باغ نجیب پاشا در بیرون بغداد و سپس در ادرنه، زمزمه «من یظهره الله»<sup>۱</sup> سرداد. این ادعا سبب، دیگری برای بروز اختلاف شد؛ عده‌ای از بابی‌ها، طرفدار میرزا یحیی (صبح ازل) ماندند که به «ازلی» معروف شدند و عده‌ای به طرفداری از میرزا حسینعلی (بهاءالله) پرداختند که «بهایبی» خوانده شدند. میرزا حسینعلی بهاء، رسماً بابیان را به آیین جدید خود دعوت - کرد. او حتی نامه‌ای به ناصرالدین شاه نوشت و درباره وضعیت پیروان باب در مدت دوازده سال اقامت در بغداد و سه سال در ادرنه مطالبی نگاشت. از محتوای نامه این‌طور برداشت می‌شود که می‌خواسته به گونه‌ای تبعیت از شاه را ابراز کند.<sup>۲</sup>

۱. من یظهره اللهی یعنی کسی که خدا او را ظاهر و آشکار می‌کند. میرزا علی محمد باب. در اوایل ادعای بابیت و ذکریت و رسالت می‌کرد و می‌گفت: «من از جانب امام زمان علیه السلام مأموریت دارم؛ در ادامه، ادعای قائمیت کرد و گفت: «من، همان امام زمان هستم» و بعد، ادعای نبوت کرد و کتاب «بیان» را تألیف نمود این ادعاهای متفاوت، با هم سازگار نبود، لذا در صدد توجیه و تأویل ادعا، نوشته‌ها سابقش برآمد. او، عنوان قائم و مهدی را در نوشته خود به یک کلمه کلی و مبهم تبدیل کرد و گفت: «منظور من از قائم، «من یظهره الله» است». حسینعلی بهاء هم از این عنوان استفاده کرد و ادعای من یظهره اللهی کرد و گفت: «من همانم که علی - محمد باب از ظهور او خبر داده است و کتاب بیان منوط به امضای من است و من مرام علی محمد را نسخ کردم (محمد محمدی اشتهاردی، بابی‌گری و بهایی‌گری، ص ۶۶-۶۷).

۲. برای دیدن متن کامل نامه، ر.ک: عبدالبهاء، مقاله شخصی سیاح، ص ۱۱۴-۱۶۵.

در هر صورت، منازعات ازلی و بهائی در ادرنه شدت گرفت و اهانت و تهمت و حتی کشتار، رواج یافت. هر یک از دو طرف، اسرار یکدیگر را آشکار می‌کردند؛ میرزا حسینعلی کتابی به نام بدیع نوشت و جانشینی میرزا یحیی را انکار کرد و حتی او را به مباحله دعوت کرد. سرانجام، حکومت عثمانی برای پایان دادن به این درگیری‌ها، میرزا حسینعلی و پیروانش را به «عکا» در فلسطین و میرزا یحیی و یارانش را به «ماغوسه» در قبرس فرستاد.

### شکل‌گیری «بهائیت»

با ورود بهاءالله به عکا، حرکت اصلی بهائیت و شکل‌گیری آن آغاز شد. این شهر که بعدها با مرگ بهاءالله یک قداست کاذب یافت. میعادگاه بهائیت شد. تا جنگ جهانی اول، فلسطین جزء امپراطوری عثمانی بود و بهائیان در آن، آزادی عمل نداشتند ولی پس از آن جنگ، با توجه به علاقه و پیوند بهائیان با صهیونیسم‌ها، فعالیت آنان بیشتر شد. و با تشکیل دولت غاصب اسرائیل و نزدیکی مصالح و منافع دو طرف آرام آرام، بین بهائیت و اسرائیل غاصب پیوندی شکل گرفت. بهائیان، ایران را سرزمین موعود خود می‌دانستند و با نفوذ خود در ایران سه ویژه در عصر پهلوی دوم که دوران طلایی بهائیت بوده - زمینه گسترش روابط ایران و اسرائیل پدید می‌آید. به طوری که وقتی بهائیان، سمت‌های دولتی ایران را به دست می‌آوردند - با حمایت‌های آمریکا و لندن - رابطه بسیار نزدیکی با اسرائیل برقرار کردند که بر محور منافع مشترک، با داشتن دشمن مشترکی به نام مسلمانان بود.<sup>۱</sup>

عباس افندی هنگام رفتن به انگلستان می‌گوید:

آمدن من به این جا، سبب الفت بین ایران و انگلستان است... در نتیجه به درجه‌ای می‌رسد که به زودی، [عده ای] از افراد ایران، جان خود را برای انگلیس فدا می‌کنند.<sup>۲</sup>

و بعدها می‌بینیم چگونه انگلستان بین بهائیان و صهیونیسم پیوند ایجاد می‌کند.

۱. روح الله حسینان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه (۱۳۴۱-۴۳)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ش، ص ۱۶۹.

۲. عبدالبهاء، خطابات، ج ۱، ص ۲۳.

## شروع رابطه علنی بهائیان و اسرائیل غاصب

رابطه علنی و رسمی بهائیان و اسرائیل غاصب به بعد از جنگ جهانی اول بر می‌گردد و افرادی مانند که عباس افندی، در جنگ جهانی اول، در عکا به جاسوسی برای انگلیس پرداختند مأموران دولت انگلستان در خاک عثمانی به افرادی جاسوس و هماهنگ با نقشه‌های آنان - مبنی بر تحقق زمینه نفوذ و و احیاناً ایجاد - آشوب بسیار نیاز داشتند. شوقی افندی می‌گوید:

کنل سرآرنولد باروز کمبل ( Kemble colonel sir Arnold barrows) که در آن اوان، سمت جنرال فونسولی دولت انگلستان را در بغداد حائز بود - چون علو مقامات حضرت بهاء الله را احساس نمود، شرحی دوستانه به ساحت انور، تقدیم و به طوری که هیکل اطهر، بنفسه الاقدس شهادت داده، قبول حمایت و تبعیت دولت متبوعه خویش را به محضر مبارک پیشنهاد نمود، و در تشریف حضوری نیز متعهد گردید که هرگاه وجود اقدس، مایل به ارسال پیامی به «ملکه ویکتوریا» باشند، در مخابره آن، به دربار انگلستان اقدام نماید. حتی معروض داشت حاضر است ترتیباتی فراهم سازد که محل استقرار وجه اقدام، به هندوستان یا هر نقطه دیگر - که مورد نظر مبارک باشد - تبدیل یابد....<sup>۱</sup>

اواخر جنگ جهانی اول - در شرایطی که عثمانی‌ها درگیر جنگ با انگلیس بودند - «آرتور جیمز بالفور» در صفر ۱۳۳۶ ق (نوامبر ۱۹۱۷ م)، اعلامیه مشهور خود، درباره تشکیل «وطن ملی یهود» در فلسطین را صادر کرد. جمال پاشا (فرمانده کل قوای عثمانی)، برای اعدام عبدالبهاء و نابودی مراکز بهایی در عکا و حيفا، تصمیم قطعی گرفته بود. منشأ این تصمیم، روابط پنهانی عبدالبهاء با انگلستان بود که این مطلب را شوقی افندی با صراحت بیان می‌کند:

جمال پاشا (فرمانده کل قوای عثمانی)، تصمیم گرفت عباس افندی را به جرم جاسوسی اعدام کند.<sup>۲</sup> ولی دولت انگلستان به حمایت جدی عباس افندی برخاست و وزارت امور خارجه وقت، جناب لرد بالفور دستور تلگرافی به جنرال آلتبی در فلسطین صادر و تأکید نمود که جمیع قوا در

۱. شوقی افندی، قمرن بدیع، ج ۲، ص ۱۲۵، تهران، مؤسسه ملی مطبوعاتی امری.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۹۱.

حفظ و صیانت عبدالبهاء و عائله و دوستان آن حضرت بکوشند.<sup>۱</sup>

پس از آن خدمات و جاسوسی‌ها، عبدالبهاء از سوی ژنرال آلنبی (فاتح انگلیسی قدس، در جنگ اول جهانی) به لقب «سِر» (Sir) مفتخر شد و مدال قهرمانی «نایت هود» (Knighthood) را دریافت کرد.<sup>۲</sup> عباس افندی هم به شکرانه این حمایت در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۱۸م دست به دعا برداشته و با چاپلوسی تمام، گفت:

اللهم ان سرادق العدل قد ضربت اطنابها على هذه الارض  
المقدسه... و نشكرک و نحمدک... اللهم اید الامبراطور الاعظم  
جورج الخامس عامل انكليزا بتوفيقاتک الرحمانيه و ادم ظلها الظليل  
على هذا الاقليم الجليل...؛

بارالها! سرپرده عدالت، در این سرزمین برپا شده است... و تو را شکر و سپاس می‌گوییم... پروردگارا! امپراطور بزرگ، ژرژ پنجم، پادشاه انگلستان را به توفیقات رحمانی‌ات مزید بدار و سایه بلندپایه او را بر این اقلیم جلیل [فلسطین]، پایدار ساز.<sup>۳</sup>

عبدالبهاء در برنامه‌ها و لوح‌های دیگر، از تسلط انگلستان بر خاک فلسطین ستایش کرده بود. لرد بالفور به ژنرال آلنبی تأکید کرد با تمام قوا در حفظ و صیانت عبدالبهاء و عائله و دوستان او بکوشد.<sup>۴</sup> تمام این حمایت‌ها به این سبب بود که بهائیان مهره خوبی برای کمک به یهودیان در استقرار آنها در فلسطین بودند و می‌توانستند با هم همکاری نزدیکی داشته باشند.

با مرگ عباس افندی و دفن وی در حیفای اسرائیل (۱۳۴۰ ق)، این شهر نزد بهائیان مقدس شده و مرکز تجمع آنان گشت. تشکیلات مرکزی بهائیت در حیفا هیأت نه نفره در مقری به نام بیت‌العدل اعظم، رهبری تمام مؤسسات و تشکیلات بهائیان را با توجه به عهده گرفته و پشتیبانی و هدایت کردند.

۱. همان، ص ۲۹۷.

۲. اسماعیل رابین، اشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی، مؤسسه تحقیقی رابین، تهران، بی‌تا، ص ۱۱۸؛ قرن بدیع، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳. دکتر یوسف فضایی، تحقیق در تاریخ و عقاید شیخی‌گری، باب گری، بهائی‌گری، ... و کسروی‌گرایی، ص ۱۹۵، آشیانه کتاب، تهران، ۱۳۸۲ش، مکاتیب، ج ۳، ص ۳۴۷.

۴. شوقی افندی، قرن بدیع، ج ۳، ص ۳۴۷.

سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های انگلیس در کشورهای خاورمیانه، از مرگ رهبر بهائیان اظهار تأسف و همدردی کردند: وزیر مستعمرات حکومت پادشاه انگلستان «مستر ونیستون چرچیل» (Winston Leonard Spencer Churchill) به مجرد انتشار خبر مرگ عبدالبهاء، پیامی به صورت تلگراف برای «سر هربرت ساموئل» (Samuel Herbert)<sup>۱</sup> صادر کرد و از وی تقاضا نموده مراتب همدردی و تسلیت حکومت انگلستان را به جامعه بهایی ابلاغ نماید.<sup>۲</sup>

در مراسم تشییع جنازه عبدالبهاء، مقدم بر همه «سر هربرت ساموئل» حرکت می‌کرد. مأمور سیاسی انگلستان «سر رونالد استورز» درباره تشییع جنازه عبدالبهاء می‌گوید:

ما در رأس مشایعین - که جمعیتی مرکب از کلیه مذاهب و ادیان بود - سرایشی کوه کرمل را با قدم آهسته بالا رفتیم، و این درجه اظهار تأسف و احترام مشترک نفوس، با رعایت سادگی فوق‌العاده، در خاطر من کاملاً ماند.<sup>۳</sup>

### بهائیان و تشکیل نامشروع کشور اسرائیل

تشکیل کشور غاصب اسرائیل، در زمان حیات شوقی افندی، با جریانات جالبی شروع شده بود. ژوئن ۱۹۲۲ م چرچیل نوشته‌ای منتشر کرد به این مضمون که دولت انگلستان در صدد است یک کانون ملی یهود در فلسطین بنا کند. در پی این اعلام، مسلمانان، سخت معترض شدند و موج جدیدی از اعتراض به راه افتاد؛ به‌ویژه رفتار صهیونیست‌ها با مسلمانان که سبب شد عواطف آنان جریحه‌دار گردد و حتی کار به سازمان ملل هم کشیده شد. ۲ آوریل ۱۹۴۷ م این مطلب در جلسه عمومی سازمان ملل مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و کمیته‌ای مخصوص رسیدگی به مسأله فلسطین تشکیل شد. هنگام بررسی گزارش کمیته، ماهیت

۱. سر هربرت ساموئل (Samuel Herbert): وی تحصیلات سنتی و مذهبی را در انگلستان گذراند و به علت خوی صهیونیستی و استعماری بسیار قوی‌اش از طرف دولت انگلستان به عنوان اولین کمیسر عالی در فلسطین انتخاب شد. وی یهودی بود و در سال ۱۹۱۴ م طرحی را برپایه تأسیس یک دولت یهودی ارائه داده بود و خواستار اولویت‌هایی برای مهاجرت یهودیان به فلسطین بود. (بهرام افراسیابی - تاریخ جامع بهائیت، ص ۲-۴۲۱)

۲. شوقی افندی، قرن بدیع، ج ۳، ص ۳۲۱.

۳. مجله اخبار امری، ارگان محفل ملی بهائیان ایران، شماره ۷ و ۸ (آبان و آذر ۱۳۲۴)، ص ۷.

گروه‌ها و دولت‌های مختلف و موضع‌گیری‌ها و چهره واقعی آنان - از جمله بهائیان - مشخص شد. ۱۴ جولای ۱۹۴۷ م، شوقی افندی در نامه‌ای به رئیس کمیسیون مخصوص سازمان ملل متحد نوشت:

... موقعیت بهائیان در این کشور، تا حدی منحصر به فرد است؛ زیرا در حالی که اورشلیم، مرکز روحانی عالم مسیحی است، این مرکز اداری کلیسای روم، با هیچ یک از مذاهب دیگر دیانت عیسوی نمی‌باشد و نیز، هر چند اورشلیم در نظر مسلمانان نقطه‌ای است که یکی از مقدس‌ترین مقامات اسلامی در آن قرار دارد، مع‌ذالک اعتاب متبرکه دیانت محمدی و مرکزی که برای ادای فریضة حج بدانجا می‌روند، در سرزمین عربستان است، نه در فلسطین. تنها یهودیان هستند که علاقه آنها نسبت به فلسطین تا اندازه‌ای قابل قیاس با علاقه بهائیان به این کشور است؛ زیرا که در اورشلیم، بقایای معبد مقدسشان قرار داشته و در تاریخ قدیم، آن شهر مرکز مؤسسات مذهبی و سیاسی آنان بوده است.....<sup>۱</sup>

تأمل در محتویات نامه به خوبی بیانگر علاقه بهائیان به روی کار آمدن حکومت صهیونیستی است. این که شوقی افندی تصریح می‌کند: «عده زیادی از پیروان ما، از اعقاب یهودیان و مسلمین بوده» یکی از بزرگ‌ترین حیل‌های او در جلب توجه بیش از پیش یهودیان به شمار می‌رود؛ در حالی که حداقل ده قرن، اجداد و آباء سران بابیت و بهائیت، همگی مسلمان بوده‌اند و تمام بهائیان - به استثنای تعدادی انگشت شمار - در آن ایام، از خانواده مسلمانان محسوب می‌شدند.<sup>۲</sup>

پس از این که در ۱۴ می ۱۹۴۸ م، انگلستان به قیمومیت در فلسطین پایان داد و همان روز، شورای ملی یهود در تل‌آویو شکل گرفت و تشکیل دولت غاصب اسرائیل اعلام شد.

چند ساعت بعد، ترومن (رئیس جمهور وقت آمریکا) هم این دولت غاصب را به رسمیت شناخت.<sup>۳</sup>

شوقی افندی (چهارمین رهبر بهائیان)، در دیدار با دولت اسرائیل، مراتب دوستی بهائیان را نسبت به اسرائیل بیان کرده و آمال و ادعیه آنان را برای ترقی و

۱. افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۵۶۰، نشر مهر فام، چاپ دهم، ۱۳۸۲ ش.  
 ۲. سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۶۴، نشر مشعر، پاییز ۱۳۸۳، چاپ اول.  
 ۳. ژرژ پنجافسکی، تاریخ خاورمیانه، ص ۳۴۲ (به نقل از تاریخ جامع بهائیت، ص ۵۶۱)



سعادت اسرائیل اظهار کرد. وی در لوح نوروز ۱۰۸ بدیع، نظر جامعه بهائیت را درباره تاسیس کشور اسرائیل به صراحت ابراز می‌دارد:

... مصداق وعده الهی به ابناء خلیل و وارث کلیم، ظاهر و باهر، و دولت اسرائیل در ارض اقدس مستقر، و به استقلال و اصالت آیین متینه به مرکز بین المللی جامعه بهائی مرتبط به استقلال و اصالت آئین الهی مقرر، و به ثبت عقدنامه بهائی و معافیت کافه موقوفات امریه در برج عکا و جبل کرمل و لوازم ضروریه بنای بنیان مقام اعلی از رسوم دولت و اقرار به رسمیت ایام تسعه متبرکه که محرمة موفق و مزید...<sup>۱</sup>

تشکیل دولت اسرائیل، از نظر بهائیت و بنا به قول شوقی افندی، یک وعده الهی بوده است که حسینعلی و عباس افندی به آن بشارت داده بودند! این روابط دیرینه، به خوبی از زبان رئیس جمهوری اسرائیل غاصب، هویدا می‌شود وی هنگامی که از رهبران صهیونیسم بوده و یهودی کردن فلسطین را دنبال می‌نمود، با عباس عبدالبهاء ملاقات و مذاکره‌ای داشته که از چنین ملاقاتی با خشنودی و رضایت یاد می‌کند؛ در حالی که می‌دانیم، آن روزها میان صهیونیسم و انگلستان از یک سو، و مردم مسلمان عرب از سوی دیگر، منازعات شدیدی بروز کرده بود. این، تنها بهائیان بودند که از یک سو با انگلستان و از سوی دیگر با کارگزاران یهودی در فلسطین روابط نزدیکی داشتند؛ از این رو، بیان شوقی افندی در نامه به رئیس کمیسیون قضیه فلسطین، از روی سیاست و محافظه‌کاری بوده که اظهار بی‌طرفی نسبت به کمیسرهای انگلیسی در فلسطین کرده است. او به خوبی می‌دانست که اگر مسلمانان عرب روی کار آیند و حکومت فلسطین را از دست انگلیس خارج کنند، بی‌تردید، شبکه بهائیت را - که دارای همه نوع همکاری با آنها بودند- نابود خواهند کرد و وجود آنان را - به دلیل نسخ اسلام و ادعای پیغمبری و کتاب جدید و خدایی از سوی رهبران بابیت و بهائیت - به هیچ وجه تحمل نخواهند کرد و حاضر به هم زیستی با آنها نخواهد بود؛ به ویژه آن که مهر سرسپردگی به بیگانه بر پیشانی همه رهبران آنان نقش بسته بود؛ زیرا مسلم است تنها مسلمانان عرب بودند که حاضر به هیچ‌گونه مصالحه - و حتی زندگی مشترک سیاسی - با یهودیان مهاجر نبودند. در برابر، برای موفقیت بهائیان زمینه مساعد فراهم بود و آنان از لقب «سر» و حمایت بی‌چون و چرای انگلیسی‌ها برخوردار

۱. شوقی افندی، توفیقات مبارکه، ص ۲۹۰، تهران مؤسسه ملی مطبوعات امری بدیع ۱۲۵.

بودند. از الواح و نامه‌هایی که عباس افندی- در عظمت امپراطوری انگلستان و تجلیل از موقعیت حاصل از استعمار فلسطین و استقرار نیروهای انگلیسی نوشته- نمی‌توان بی‌اعتنا گذشت.

بهائیان به همه این مسائل توجه داشته‌اند که ظواهر اسلامی را در سرزمین فلسطین رعایت می‌کردند؛ در نماز جماعت و جمعه شرکت می‌کردند و به هیچ‌وجه به یاران خود اجازه تبلیغ در سرزمین فلسطین نمی‌دادند. منافع بهائیت تنها در صورتی می‌توانست محفوظ بماند که یا انگلستان به استعمار خود در فلسطین ادامه دهد یا صهیونیسم به عنوان حافظ منافع انگلستان و میراث‌خوار استعمار روی کار آید. در غیر این صورت، مرکز به اصطلاح- جهانی بهائیت، دیر یا زود، به دست مسلمانان عرب و به عنوان مرکز جاسوسی و دشمنی صریح با منافع ملی مسلمانان، برچیده می‌شد؛ از این رو، بهائیان در فلسطین و کشور اسرائیل برخلاف مصالح صهیونیسم سخنی نگفتند و در مسیر تحکیم روابط خود با صهیونیسم حاضر به همه گونه همکاری شدند.<sup>۱</sup>

### فلسطین، مرکز بهائیت

بهائیان هم سرزمین فلسطین را به عنوان مرکز اصلی جامعه بهائیت پذیرفتند. دولت اسرائیل نیز اولین دولتی بود که بهائیت را به عنوان یک دین رسمی به رسمیت شناخت و برای اولین بار نام «ارض اقدس» و «مشرق الاذکار»- که منظور، اسرائیل است- از زبان شوقی شنیده شد. او در کلامی به دوستان خود می-گوید: «دوستان من! شما نیز مانند من به این اراضی (اسرائیل) مسافرت کنید و در این ارض مقدس (اسرائیل) از روایح طیبه بهره‌ور گردید». البته این امر می‌تواند به نوعی انتقام‌جویی و کینه‌توزی توجیه شود که رهبر بهائیان درصدد برآمد با استفاده از اختلاف دیرین مسلمانان و یهودیان، سرزمین اسرائیل را به عنوان مرکز اصلی و کعبه آمال بهائیان بپذیرد و دولت یهود را پناه‌گاه و تکیه‌گاه جهانی این فرقه قرار دهد. دشمنی دیرین یهودیان نیز به این امر شدت داد. آنان، هر نیروی ضد اسلامی را حمایت می‌کردند به ویژه که اسرائیل، در محاصره کشورهای اسلامی قرار داشت. یکی از علت‌هایی که سبب شد دولت اسرائیل سلک بهائی را به رسمیت بشناسد،

۱. سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۷۰.

همین امر است؛ آنها را از مذاهب رسمی مملکت قرار داد و از طرفی، با به رسمیت شناخته آنها سرمایه‌های بهائیان را به سوی اسرائیل سرازیر کرد.<sup>۱</sup>

جالب است که «لروی آیواس»، منشی کل شورای بین‌الملل بهائیان در نامه‌ای (۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ ش) برای محفل بهائیان ایران، با شرحی مفصل از ملاقات شوقی‌افندی و رئیس جمهور اسرائیل در (پانزدهم فروردین ۱۳۳۳ ش)، می‌نویسد:

در این روز تاریخی، رئیس جمهور و خانمشان، کل هیأت بین‌المللی بهائی را در هتل ماگیدو، در تالار مخصوص به حضور پذیرفتند. پس از لحظه‌ای، رئیس جمهور و همراهان، با اتومبیل روانه بیت مبارک شدند. حضرت ولی امرالله و حرم مبارک، از رئیس جمهوری و خانم، با لطف و محبت خاصی پذیرایی نمودند. ضمن مذاکرات دوستانه و غیر رسمی، حضرت ولی‌الله، مقصد و مرام بهائیت را توضیح و نظر مساعد و تمایل بهائیان را نسبت به اسرائیل بازگو کردند و آرزوی بهائیان را برای ترقی و سعادت اسرائیل برشمردند. رئیس جمهور هم متقابلاً یادآور شد که در چندین سال قبل، هنگامی که به همراه خانم خود به اطراف کشور سیاحت می‌کردم، در بهجی به حضور سر عبدالیهاء مشرف شدم.

وقت خداحافظی از مهمان‌نوازی ولی امرالله از طرف رئیس جمهور اسرائیل سپاسگزاری فراوان شد و ضمن تقدیر از اقدامات و مجاهدات بهائیان در کشور اسرائیل، آرزوی قلبی خویش را برای موفقیت جامعه بهائیان در اسرائیل و سراسر گیتی اظهار داشتند.<sup>۲</sup>

اهمیت این ملاقات از آن جا مشهود است که بهائیان به آن، بیش از حد تصور، ارزش دادند و به راحتی جامعه بهائی را با اسرائیل پیوند دادند. این، به خوبی می‌فهماند که بهائیان، پیش از تشکیل دولت اسرائیل، هواخواه صهیونیسم و روی-کارآمدن آنان در فلسطین بودند.

۱. مجله اخبار امری، ارگان محفل ملی بهائیان ایران، شماره ۸-۹ (آذر - دی ۱۳۳۱ق)، -اسماعیل رابین،

انشعاب در بهائیت، ص ۱۶۷.

۲. همان، ش ۴، تیرماه ۱۳۳۳ ش.

## اسناد ارتباط سران بهائی و اسرائیل

یکی از اسناد این است که هیأت بین‌الملل بهائی حیفا، در نامه‌ای به محفل روحانی ملی بهائیان ایران (اول ژوئیه ۱۹۵۲ م) رابطه شوقی افندی را با حکومت اسرائیل کاملاً سربسته و محرمانه چنین به اطلاع آنان رساند: «روابط حکومت (اسرائیل) با حضرت ولی امرالله و هیأت بین‌المللی بهائی دوستانه و صمیمانه است و فی‌الحقیقه جای بس خوشوقتی است که راجع به شناسایی امر در ارض اقدس، موفقیت‌هایی حاصل گردیده است...»<sup>۱</sup> در اواخر ژوئن ۱۹۵۲ دکتر لطف الله حکیم - منشی شوقی افندی در شورای بین‌المللی بهائی - طی نامه‌ای خطاب به منشی محفل ملی بهائیان در ایران نوشت:

در جوار روضه مقدسه مخروبه‌ای است که کسی راضی نمی‌شد آنها را تبدیل به گلستان کند و این منظره کریمه المنظر از جلوی روضه مبارکه برداشته شود... خلاصه الکلام، دولت اسرائیل، امر صریح بر حقانیت اهل بها صادر، و ناقضین پرکین را محکوم می‌نماید و لهذا بدون درنگ، آن مخروبه به امر هیکل مبارک منهدم می‌شود... هیچ کس نمی‌تواند باور کند که چگونه ظرف چند روز، بنای بدنمای مخروبه، به این سرعت به باغ زیبایی تبدیل یافته است.<sup>۲</sup>

سند دیگر این که مقاله‌ای با عنوان «بهائیت» در شماره ۲۲ مجله‌ای فرانسوی و وابسته به صهیونیسم و اسرائیل، به نام «زمین بازیافته» (اسرائیل) (۲ سپتامبر ۱۹۵۲ م) به قلم یکی از نویسندگان یهود، چاپ و منتشر شده است در این مقاله، انطباق اهداف یهودیان با عقاید بهائیان، در برپایی کشوری مقتدر به نام «اسرائیل» اعلام شده است...<sup>۳</sup> بهائیان در پی به رسمیت رسیدن و تثبیت خود بودند. اسرائیل نیز این کار را برای بهائیان می‌کرد، تا حامی وفاداری داشته باشد و از فشار مسلمانان بکاهد. از طرفی، بهائیان هم حاضر بودند برای این منظور سرمایه‌گذاری کنند.

در ادامه، شوقی افندی برای توسعه بهائیت، در پی جلب حمایت یهودیان

۱. همان، ش ۵، ص ۱۶، شهریور ۱۳۳۱ ش.

۲. همان، ش ۴ مرداد ۱۳۳۱ ش.

۳. همان، ش ۸-۹ (آذر - دی ۱۳۳۱ ش).

آمریکا برآمد، از این رو، از حافظان منافع بهائیت در آمریکا خواست به هر نحو، این امر انجام شود. همچنین برای جلب موافقت همه‌جانبه «بن گوریون»، نخست‌وزیر اسرائیل غاصب بسیار کوشید. این عمل، زمینه اقدامات بعدی شوقی را برای پیوند بیشتر با اسرائیل فراهم می‌کرد.

این مطلب، در تلگراف محرمانه شوقی‌افندی برای محفل بهائیان آمریکا (۱۹ آوریل ۱۹۵۲)، درباره سفر نخست‌وزیر اسرائیل، آمده است:

... برای تأسیس و استقرار مرکز جهانی امرالله، اقدامات وسیعه به کمال سرعت به عمل آمده است. هیأت‌های ایادی امرالله، از هر یک از قطعات عالم، متوالیاً تعیین گشته و پنج نفر از آنها اکنون به ایفای وظایف در ارض اقدس مشغولند، هنگام مسافرت رئیس الوزرای دولت اسرائیل به آمریکا محفل ملی آمریکا با او ملاقات و مصاحبه نموده و آثار امری را به او تقدیم داشته‌اند و هیجده قطعه اراضی به مساحت بیست و دو هزار متر مربع، بر وسعت اوقاف بین‌الملل بهائی در دامنه جبل کرمل اضافه گردیده است... نقشه مشرق‌الاذکار کرمل - که ابتکار رئیس هیئت بین‌الملل بهائی است - تکمیل و اتمام پذیرفته است. معافیت اعتبار مقدسه از رسول دولتی و سایر مزایایی که از طرف وزارت دارایی دولت اسرائیل اعطا شده بود، اکنون شامل بیت حضرت عبدالبهاء و مسافرخانه شرقی و غربی نیز گردیده است...<sup>۱</sup>

بن گوریون هم در جواب گفت: «از ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه‌ای با اسرائیل داشته‌اند».<sup>۲</sup>

### هیأت‌های بین‌المللی بهائی (بیت العدل اعظم)

شوقی‌افندی، در ۹ ژانویه ۱۹۵۱م (۱۳۲۸ش، شش سال قبل از درگذشت خود)، پیامی برای تأسیس هیأت‌های بین‌المللی بهائی (بیت العدل اعظم) به تمام مراکز بهائی جهان ابلاغ کرد و گفت:

... به محافل ملیه در شرق و غرب تصمیم خطیر و تاریخی تأسیس اولین

۱. همان، ش یک، اردیبهشت ۱۳۳۱ش.

۲. جواد منصور، تاریخ قیام پانزدهم خرداد به روایت اسناد، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۳۲.

شورای بین‌المللی بهائی را ابلاغ نمایید... درجه رشد کنونی محافل نه گانه ملی - که با کمال جدیت، در سراسر عالم بهائی به خدمات امریه قائمند - مرا بر آن می - دارد که تصمیم تاریخی فوق را که بزرگ‌ترین قدم، در سبیل پیشرفت نظم اداری حضرت بهاء الله در سی سال اخیر محسوب است، اتخاذ نمایم. این شورای جدیدالتأسیس عهده‌دار انجام سه وظیفه می‌باشد:

اولاً: با اولیای حکومت اسرائیل ایجاد روابط نمایید.

ثانیاً: مرا در ایفای وظایف مربوطه به ساختمان فوقانی مقام اعلی، کمک و مساعدت کنید.

ثالثاً: با اولیای کشوری، در باب مسائل مربوط به اموال شخصی داخل مذاکره شود و چون این شورای که نخستین مؤسسه بین‌المللی و اکنون در حال جنین است - توسعه یابد، عهده‌دار وظایف دیگری خواهد شد و به مرور ایام به عنوان محکمه رسمی بهائی شناخته شده و سپس به هیأتی مبدل می‌گردد که اعضایش از طریق انتخاب، معین می‌شوند، و ظهور کامل ثمرات آن، وقتی است که مؤسسات متفرعه عدیده آن، تشکیل گشته، به صورت مرکز اداری بین‌المللی بهائی، در جوار روضه مبارکه و مقام اعلی - که مقرر دائمی آن خواهد بود - انجام وظیفه نماید. شایسته است این ابلاغیه را به وسیله لجنه ارتباط منتشر نمایید.<sup>۱</sup>

موافقت دولت اسرائیل با بسط موقعیت و گسترش اراضی بهائیان در اسرائیل، نتیجه سیاست آمریکا و صهیونیسم بود که برای تقویت بهائیان و مرکز جهانی آنان و گسترش فعالیت بهائیت در دیگر کشورها و حفظ منافع اسرائیل - به ویژه در کشورهای اسلامی - انجام گرفت. همزمان با طرح نقشه‌های جهانی بهائیان برای گسترش مراکز بهائی در کشورهای مختلف - که محفل بهائیان آمریکا طرح و با برنامه‌های اطلاعاتی اسرائیل هماهنگ شده بود - چنین مساعدت‌هایی از جانب اسرائیل، سازمان و رهبران صهیونیسم امری اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌آمد.

بر این اساس، شوقی افندی تصمیم گرفت به کمک اسرائیل، دو کار اساسی را تحقق بخشد:

۱. احداث تأسیسات مرکز جهانی بهائیان در اسرائیل، ضمن سامان بخشیدن به

۱. مجله اخبار امری، ارگان محفل ملی بهائیان ایران، آذر و دی ۱۳۲۹ش، ش ۸-۹ ص ۴-۵، اسماعیل راین، انشعاب در بهائیت، ص ۱۶۹-۱۷۰.

سازمان رهبری بهائیان؛

۲. رفع بزرگ‌ترین مانع رهبری شوقی افندی، یعنی بازماندگان خانوادهٔ اعضا و افنان که حاضر به همکاری با او و قبول زعامتش نبودند.<sup>۱</sup>

او از طرفی به چاپلوسی نزد دولت اسرائیل پرداخت و از طرفی، در پی جلب کمک‌های مادی و گسیل آنها به سوی اسرائیل برآمد. وی در تلگراف ۱۵ دسامبر ۱۹۱۵م برابر با (۲۴ آذر ماه ۱۳۳۰) دربارهٔ حمایت دولت اسرائیل از اموال غیر منقول موجود در اسرائیل، برای اطلاع محفل ملی بهائیان ایران می‌نویسد:

به یاران بشارت دهید که پس از مدتی بیش از پنجاه سال، کلیده‌های قصر مزرعه توسط اولیای حکومت اسرائیل تسلیم گردید. این مکان مقدس تاریخی- که حضرت بهاء الله پس از خروج از سجن عکا در آن اقامت فرمودند- اکنون مفروش می‌گردد، تا هنگام افتتاح باب تشریف، برای زیارت زائرین مهیا باشد. توصیه می‌شود هفت قالی به قطع تقریبی سه متر در پنج متر به عنوان عباس ادیب در بیروت ارسال گردد.<sup>۲</sup>

او در تلگرافی دیگر (در ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ م) برای محفل ملی بهائیان آمریکا، آشکارا تأیید کرد که با تشکیل دولت اسرائیل و حمایت آنها، کار احداث مرکز جهانی بهائیان و تشکیل سازمان رهبری بهائیان، امکان‌پذیر شده است و این امر، از برکت وجود دولت جدیدالتأسیس اسرائیل است:

این شروع عظیم- که در عقد اول قرن دوم بهائی، مقارن تأسیس دولتی مستقل و جدید در ارض اقدس، شروع گردید- در نتیجه پیدایش دولت مزبور، تقویتی بسزا یافت و بر اثر تحقق یک رشته وقوعات متوالیه ذیل در ارض اقدس، پیشرفت سریع حاصل نموده است:

۱. ساختمان قسمت فوقانی مقام اعلی- که مقدس‌ترین مشروع بین الملل و در تاریخ امرالله بی‌نظیر است- در قلب جبل کرمل آغاز گردید.

۲. هیأت بین‌المللی بهائی، در جوار اعتاب مقدسه تشکیل گردید. این هیأت طلعه تأسیس بیت العدل عمومی، یعنی اعظم قوه تشریح نظم اداری جهان‌آرای بهائی است که به بنیانش الهی و حال بدایت ظهور و بروز آن است.

۱. سید محمد باقر نجفی، بهائیان، ص ۶۷۵.

۲. مجله اخبار امری، ارگان رسمی محفل بهائیان ایران، ش ۸-۹، آذر و دی ۱۳۲۹ ش.

۳. اماکن تاریخی مربوط به ایام سجن حضرت بهاءالله و عبدالبهاء، تملک و تعمیر و تزئین گردید و دولت جدیدالتأسیس، آنها را رسماً جزء مقامات متبرکه شناخت و از پرداخت مالیات معاف نمود. این مقامات، اکنون نزهتگاه و مورد نظر و توجه عموم مردم است.

۴. مذاکرات رسمی با متصدیان اداری مرکزی بلدیة این حکومت برای دو منظور آغاز گردید:

الف) آن که اراضی حول روضه مبارکه شارع آیین نازنین در حوالی عکا - که اکنون مورد تهدید است - برای نسل‌های آینده محفوظ ماند.

ب) آن که املاک وسیع و واقعه در جوار مرقد مبارک حضرت اعلی - که بی‌نهایت لازم و ضروری است - خریداری شود، تا به فرموده حضرت عبدالبهاء، مشروعات تابعه حول مؤسسات، دو رکن اعظم، ولایت امر و بیت العدل اعظم در این اراضی بنیان گردد.

۵. برای آن که در مستقبل ایام، مشرق‌الاذکاری برفراز جبال کرم‌ل مرتفع گردد، نقشه لازم تهیه گردید. بنای این مشرق‌الاذکار، نشانه ضروری و بارزی از پیشرفت روزافزون نظم اداری بین‌المللی امرالله خواهد بود.

۶. چهار کنفرانس - که در خارج از مرکز بین‌المللی امرالله، در قطعات مختلفه عالم در آینده تشکیل خواهد شد، نشانه آغاز اقدامات امریه در بین قاره‌ها بوده و یازده محفل روحانی ملی، در آن شرکت خواهند نمود. انعقاد این کنفرانس‌ها مبشر شروع مرحله نهایی، برای اجتماع نمایندگان جوامع کلیه کشورهای مستقل و اقالیم مهمه تابعه و جزایر مختلفه در سراسر جهان خواهد بود. اکنون وقت آن رسیده که توأم با اقدامات شش - گانه فوق، موضوعی که اضطراراً مدتی به تعویق افتاده بود، به مرحله عمل درآید و آن، تعیین ایادی امرالله بر طبق نصوص الواح و صایای حضرت عبدالبهاء است که اولین عده آنها، بالغ بر دوازده نفر می‌باشند و به تعدادی مساوی از ارض اقدس و قطعات آسیا، آمریکا و اروپا انتخاب شده‌اند. این اقدامات اولیه، مقدمه تحقق کامل مشروعی است که حضرت عبدالبهاء در کتاب وصایا پیش‌بینی فرموده‌اند و با تمهیدات اولیه جهت تشکیل هیأت بین‌المللی بهائی - که بعداً به بیت العدل عمومی تبدیل خواهد شد - همدوش و هم‌عنان است که این مشروع جدیدالتأسیس حلقه‌ی اتصال



دیگری برای تحکیم روابط مرکز دائم الاتساع بین المللی امرالله با جامعه پیروان در سراسر عالم و راه را برای مبادرت به اقدامات دیگر به منظور تقویت اساس نظم اداری بهائی هموار می‌سازد...<sup>۱</sup>

«پرفسور نرمان تیویچ» که دادستان اسبق حکومت فلسطینی و یکی از شخصیت‌های سیاسی و حقوقی اسرائیل می‌باشد به پاس خدمات بهائیان به اسرائیل نوشت:

امر بهایی که مرکز آن حیفا و عکا است و این مدینه زیارتگاه پیروان آن است به درجه‌ایی از پیشرفت و تقدم نایل گشته که مقام دیانت جهانی و بین‌المللی پیدا کرده است.

به نوعی نرمان نیویچ بهایت را در ردیف سه دین «یهودی، مسیحی و اسلام» به رسمیت شناخته و می‌گوید:

اکنون فلسطین را نباید فی الحقیقه منحصرأ سرزمین سه دیانت محسوب داشت؛ بلکه باید آن را مرکز و مقر چهار دیانت به شمار آورد، زیرا امر بهایی که مرکز آن حیفا و عکا است و این دو مدینه زیارتگاه پیروان آن است به درجه‌ای از پیشرفت و تقدم نائل گشته که مقام دیانت جهانی و بین‌المللی را احراز نموده است. و همان طور که نفوذ این آیین در سرزمین مذکور روز به روز رو به توسعه و انتشار است در ایجاد حسن تفاهم و اتحاد بین المللی ادیان مختلفه عالم نیز عامل بسیار موثری به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

از طرفی شوقی افندی از وظائف شورای بین‌المللی بهائیان، رابطه با دولت اسرائیل بیان می‌کند و حمایت از اسرائیل را به همه دولت‌های جهان ترجیح می‌دهد و تأسیس شعب محافل روحانی و ملی بهائیان را فقط در ارض اقدس و بر حسب قوانین حکومت جدیدالتأسیس اسرائیل ممکن می‌داند.<sup>۳</sup>

و نقشه ده ساله که شامل ۲۸ هدف است. این اهداف بنابر خواست شوقی افندی، باید توسط «چارلز میسن ریمی» پیاده می‌شد.

۱. همان، ش ۹، دی ۱۳۳۰ش، ص ۳.

۲. اسماعیل رابین، *انشعاب در بهائیت*، ص ۱۶۹-۱۷۰ - قرن بدیع، قسمت چهارم، ص ۱۶۲.

۳. دکتر زاهدانی، *بهائیت در ایران*، ص ۲۵۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج سوم، ۱۳۸۴ش.

## «بهائیت» و جنگ اعراب و اسرائیل

در جنگ اعراب و اسرائیل، بهائیان همواره از اسرائیل غاصب جانب‌داری کرده، و علیه مسلمانان به تبلیغ می‌پرداختند. نیاز صهیونیسم و اسرائیل به اطلاعات و منابع خبری وسایل ارتباطی جمعی در کشورهای اسلامی، سبب شده بود بهائیان به کمک آنها بیایند؛ چون اگر اعراب موفق می‌شدند، منافع بهائیت در خطر بود.

در سال ۱۳۷۹ ق (۱۹۶۰م) یکی از شرکت‌کنندگان ایرانی در مجمع عمومی مؤتمر اسلامی بیت المقدس از نقش اطلاعاتی بهائیان برای اسرائیل، سخنی به میان آورد. کشورهای عربی، مسأله را خیلی جدی نگرفتند. در اثر عدم اطلاع مسلمانان از وضعیت عوامل گسترده صهیونیسم در کشورهای عربی اسلامی - که ناشی از ضعف تشکیلات اطلاعاتی آنان بود - نسبت به آن توجه ویژه‌ای نشد؛ در حالی که برای کارشناسان مسائل سیاسی - مذهبی ایران روشن بود تا زمانی که طرح دوستی و روابط متقابل عباس افندی با صهیونیسم پی ریزی نگردیده بود در ایران یهودی - بهایی وجود نداشت.

پس از پیدایش این سرسپردگی و تداوم آن در زمان شوقی افندی - به ویژه، پس از تشکیل دولت اسرائیل - در محافل بهائی ایران، یهودیان بسیاری، خود را یهودی بهائی لقب می‌دادند؛ حتی اسرائیل، با عنوان «قلب العالم» - که اصطلاحی مشترک، برای حفظ منافع هر دو گروه بود - زبانزد بهائیان و یهودیان صهیونیست شد. این اصطلاح، پیشنهاد شوقی افندی بود.

تلاش جدی بهائیان در کسب اطلاعات و مدارک سیاسی، برای منافع صهیونیسم و اسرائیل سبب موضعگیری جامعه اتحادیه کشورهای عربی شد. و موضوع «بهائی‌گری» جزء دستور کار «دفتر تحریم اعراب علیه اسرائیل» وابسته به اتحادیه عرب قرار گرفت. این دفتر، مأموریت یافت تمام شرکت‌های و مجتمع‌های صنعتی و اقتصادی آمریکایی و اروپایی و... با اسرائیل منافع مشترک داشته و به نفع آن و زیان اعراب می‌کوشند، شناسایی کند و نام آنها را برای تحریم معامله و همکاری اقتصادی در اختیار دولت‌های عرب قرار دهد. خبرگزاری رویتر در ۱۰ ژانویه ۱۹۷۵ م از دمشق گزارش داد:

محمد محجوب (کمیسر عالی در دفاتر تحریم اعراب، علیه اسرائیل) بیان کرد: «کنفرانس ماه آینده دفاتر تحریم مبارزه با گروه بهائی را به طور جدی بررسی خواهد کرد». محمد محجوب، از گروه بهائی به عنوان یک جنبش طرفدار اسرائیل

و صهیونیسم یاد کرده است.<sup>۱</sup>

همین مضمون را خبرگزاری خاورمیانه در ۱۰ ژانویه ۱۹۷۵ م، به نقل از محمد محجوب و دیگران مخابره کرد:

روز ۲۳ فوریه سال جاری، افسران دفتر تحریم اسرائیل، در کنفرانس قاهره گرد خواهند آمد، تا موضوع گروه مذهبی بهائی‌ها را که دارای اهداف و فعالیت‌های صهیونیستی در کشورهای عربی - اسلامی هستند، بررسی کنند.<sup>۲</sup>

۲۳ فوریه ۱۹۷۵ م، در قاهره، کنفرانس تحریم اسرائیل برگزار شد و در ۲۵ فوریه، نتایج و تصمیمات مهم آن، در مطبوعات جهان منتشر شد.

روزنامه «المحرر»، چاپ بیروت در ۲۵ فوریه ۱۹۷۵ م با عنوان «مؤتمر مکاتب مقاطعه اسرائیل»، تصمیم کنفرانس تحریم را به نقل از محمد محجوب و دیگر ناظران آگاه را - درباره رابطه محافل و مراکز بهائیان با صهیونیسم و اسرائیل - چنین اعلام کرد:

و قرّر المکتب ایضاً فرض حظر علی نشاط البهائیین فی الدول العربیة و اغلال محافلهم بعد ان ثبت ان الصهیونیة تستر ورائهم...؛

همچنین دفتر تحریم اعراب علیه اسرائیل مقرر داشت که بایستی دولت‌های عربی از جنبش بهائی‌ها و تشکیل محافل آنها شدیداً جلوگیری کنند؛ زیرا برای اعضای کنفرانس مسلم شد، صهیونیسم پشت آنان پنهان شده است - حتی بهائیان ایران گستاخی را به حدی رساندند که مبالغ هنگفتی، برای کمک به اسرائیل غاصب جمع‌آوری کردند. پول جمع‌آوری شده، حدود ۱۲۰ میلیون تومان بود که در ظاهر، برای بیت‌العدل حیفا فرستاده می‌شد؛ ولی منظور اصلی، کمک به ارتش اسرائیل بود. مقدار قابل ملاحظه‌ای از این پول، به وسیله حبیب ثابت پرداخت شده بود.<sup>۳</sup>

در گزارش مأموران ساواک (۴۶/۹/۹) آمده است:

شنیده شده است چندی قبل، بهائیان ایران مبلغ هنگفتی - که چندین

۱. نجفی، بهائیان، ص ۱۸۳ (به نقل از بولتن خبری سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، دفتر مرکزی، خبر شماره ۲۳۲، ۲۱ دی ۱۳۵۳ ش).

۲. همان، ص ۷۱۴.

۳. روح الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه، ص ۱۷۳.

میلیون تومان بوده- به اسرائیل کمک کرده‌اند. البته تصور می‌رود کمک بهائیان، از طریق آقای غفوری (نماینده‌گی سیاسی اسرائیل در ایران) و به وسیله حبیب القانین، که تماس مستقیم با حبیب ثابت - که قبلاً یهودی و اهل کاشان بوده است- انجام گردیده؛ زیرا از قرار معلوم، سرمایه محفل و وجوه جمع‌آوری شده بهائیان، ماهیانه به نام خیرالله در صندوقی نزد حبیب ثابت می‌باشد و مشارالیه، این پول‌ها را به ربح می‌دهد؛ لکن مبلغ جمع‌آوری شده فعلاً نامعلوم است.<sup>۱</sup>

در ادامه، به نقش نمایندگان ایران در فلسطین اشاره می‌کنیم. میرزا حبیب الله خان آل رضا یا عبدالملک، از سوی مقامات وزارت امور خارجه ایران، به عنوان نماینده ایران در فلسطین انتخاب شد. البته این انتخاب، بدان معنا نیست که پیش از این تاریخ، ایران در فلسطین نماینده‌ای نداشت. از اسناد سیاسی موجود، چنین برمی‌آید که تا پیش از سال ۱۲۹۸ ش ۱۸۸۰م «میسو اسکوینچ»، سمت «ویس قنسل» افتخاری ایران در حیفای فلسطین را عهده‌دار بود.<sup>۲</sup> اسکوینچ امور این ناحیه را با توجه به دقت نظر ویژه کنسولگری ایران در مصر اداره می‌نمود.<sup>۳</sup> صرف نظر از او، انیس حیری و توفیق عقیفی، هر کدام، با عنوان کنسول افتخاری ایران در دو شهر یافا و عکا، عهده‌دار امور ایران بودند و این منصب را تا سال ۱۳۱۴ ش (۱۹۳۵ م) حفظ کرده بودند. در این سال، بر اساس یادداشت ۳۹۵۶۹/۲۵۰۳ مورخ ۱۳۱۴/۹/۱۷ وزارت امور خارجه ایران، پایان خدمت ایشان رسماً به کمیته عالی بریتانیا در فلسطین ابلاغ شد.<sup>۴</sup>

میرزا حبیب الله که اهل شیراز<sup>۵</sup> و فرزند میرزا رضا قناد بود، از بهائیان شناخته

۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۵۳۶.
۲. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، (سال ۱۳۴۰ ق)، کارتن ۱۶، دوسیه ۱۳، گزارش مورخ ۶ ذی قعدة ۱۳۳۹ ق به شماره ۸۴۴ (به نقل علی‌اکبر ولایتی، ایران و مسأله فلسطین، ص ۹۱).
۳. ر.ک: گزارش شماره ۳۱۶ مورخ ۱۷ صفر، ۱۳۴۱ ق/۱۹۲۲ م؛ سرکنسولگری ایران در شام، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه سال ۱۳۰۱ ش، کارتن ص ۱۶، دوسیه ۴۴ (به نقل علی‌اکبر ولایتی، ایران و مسأله فلسطین، ص ۹۱).
۴. گزارش شماره ۶۹۵-۱۳۱۴/۱۲/۱۷ کنسولگری شاهنشاهی ایران در فلسطین، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه سال ۵-۱۳۱۴، کارتن ۲، دوسیه ۲۶ (به نقل علی‌اکبر ولایتی، ایران و مسأله فلسطین، ص ۹۲).
۵. بر پایه اسناد سفارت آمریکا، وی قزوینی الاصل بوده و به شغل خیاطی اشتغال داشته است. ر.ک: گزارش سری ارنست آر. اونی، دفتر تحقیقاتی- سیاسی اداره اطلاعات آژانس اطلاعات مرکزی (CIA)، فوریه ۱۹۷۶

شده و مجذوب عباس افندی به شمار می‌رفت. او به سبب نزدیکی با عباس افندی، از خشم مردم مسلمان؛ هراس داشت و از اقامت در ایران نگران بود. لذا به عکا رفت و مستخدم دستگاه عباس افندی شد. او به دلیل تعصب و علاقه‌ای که به این فرقه داشت مورد لطف و محبت خاص افندی قرار گرفت. عباس افندی، حبیب الله خان پسر میرزا رضا قناد را به تحصیل گمارد و با هزینه خود، او را برای ادامه تحصیل دوسال به اروپا فرستاد. او به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط پیدا کرد و سپس به تهران آمد.<sup>۱</sup> او پس از مشروطه در سال ۱۳۳۹ ق/ ۱۹۲۰ م رهسپار حیفا شد او خود در گزارش می‌نویسد:

چندی قبل، از حیفا، از طرف ایرانیان ساکن آن سرزمین [بهائیان] تهدیدی رسید که چون دولت فخمیه انگلیس در شناسایی «ویس قنسل» حیفا... تعلل می‌ورزد و امور ماها [ایرانیان بهایی] از هر حیث - راجع به مسافرت و غیر از این جهت - لطمه وارد می‌شود، خواهش می‌شود که مسافرت چند روزه به این سمت نمایند.<sup>۲</sup>

حبیب الله خان، ظاهراً بدون اجازه وزارت خارجه، رهسپار حیفا و سپس بیت المقدس شده و بدون داشتن اعتبارنامه، با مقام‌های انگلیس به گفت‌وگو پرداخته است. جالب این که نه تنها با مخالفت مسئولین انگلیسی مواجه نمی‌شود، بلکه مورد استقبال هم قرار می‌گیرد.

متأسفانه وزارت خارجه وقت نیز به دلیل آشفتگی سیاسی حاصل از کودتای سوم اسفند، هیچ واکنش نشان نداد و همین امر بر جسارت عین الملک افزود؛ به طوری که رسماً پیشنهاد سرپرستی امور فلسطین را مطرح ساخت.<sup>۳</sup>

حبیب الله خان در یکی از گزارش‌های خود، ضمن متهم کردن وزیر مختار

۱. م ۱۳۵۴/ش، موجود در: مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، از ظهور تا سقوط، (مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۶۶) ج ۱، ص ۵۵ (به نقل از علی اکبر ولایتی، ایران و مسأله فلسطین، ص ۹۲).  
 ۲. عبدالمعین... شهبازی، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۷۵ (به نقل از علی اکبر ولایتی، ایران و مسأله فلسطین ص ۹۲).  
 ۳. گزارش شماره ۸۴۴ مورخ ۶ ذی القعدة ۱۳۳۹ ق عین الملک، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه سال ۱۳۴۰ ق، کارتن ۱۶، دوسیه ۱۳ (به نقل از ایران علی اکبر ولایتی، ایران و مسأله فلسطین، ص ۹۳).  
 ۴. گزارش شماره ۸۴۴- مورخ ۶ ذی القعدة ۱۳۳۹ ق، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه سال ۱۳۴۰ ق، کارتن ۱۶ دوسیه ۱۳ (به نقل از علی اکبر ولایتی، ایران و مسأله فلسطین، ص ۹۳).

ایران در مصر، اسباب تضييع حقوق و حيثيت دولت ايران را چنين مي‌نگارد:

سابقاً عرض کردم بين بهائيان، پس از وفات عبدالبهاء راجع به مقام بهاء‌الله و جانشينش اختلافی روی داد... از قرار راپرتی که رسیده است، پی‌درپی تلگراف و مراسلات از طرف انجمن‌های بهائيان در جميع عالم، به حکومت بریتانیا و وزارت خارجه او و کمیسر عالی در فلسطین می‌رسد و می‌گویند که مضمون آنها هم این است که کلید، باید به دست شوقی افندی برسد... حالا ملاحظه می‌فرمایید که نداشتن مأمور صحیح دلسوزی در فلسطین، چگونه اسباب تضييع حقوق و حيثيت دولت ايران شده است و منتهی به این شده است که بهائيان، در تمام نقاط، متوسل به دولت بریتانیا شده‌اند، در صورتی که اگر مأموری می‌داشتیم، همه می‌بایستی متوسل به دولت ايران شوند. به هر صورت، این است اوضاع آن صفحات، و نمی‌دانم وزیر مختار [ایران در] مصر، به چه ملاحظه در جلوگیری از این امور برنیامده... در وقتش، اگر امور آن‌جا محول به فدوی شده بود، همین‌طور که در شام، حفظ حقوق و آبروی دولت را کرده‌ام، در آن‌جا هم، البته کرده بودم...<sup>۱</sup>

بر اساس این سند، از انگیزه‌های میرزا حبیب‌الله خان - که بعدها برای خود، از نام خانوادگی هویدا استفاده کرد - رسیدگی به امور بهائيان در فلسطین بوده است. انگیزه وی، بر اساس اسناد موجود به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) تلاش برای ارتباط پیوسته با مرکز بهائیت در فلسطین و نزدیکی به رهبران این فرقه. این تلاش به وسیله گروهی از ایرانیان شام در همان سال‌ها و با ارسال عریضه‌ای آشکار شده و پرده از این تصمیم هویدا برداشته می‌شود:

خدمت اجلاء عظام هیئت وزراء، محترمین و وکلای مجلس شورای ملی [ملی]! جناب آقای حبیب‌الله خان، وقت ممکن ندارد که به کار رعیت یا به داد رعیت برسد. از برای [آن] که شب و روز مشغول از برای تبلیغ حضرات بهائی گردیده و روابط ایشان در عوض این‌که با پایتخت

۱. گزارش ۲۵۲۴، مورخ ۱۵ میزان ۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲م، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۱ ش، کارتن ۱۶، دوسیه ۱۹ (به نقل از علی‌اکبر ولایتی، ایران و فلسطین، ص ۹۹-۱۰۰).

ایران باشد، روابط ایشان با حیفا است...<sup>۱</sup>

ب) کسب سود مالی، یکی دیگر از دلایل عین الملک هویدا در آرایه چنین پیشنهادی است. شاید بین اعضای وزارت خارجه ایران ملی، در دوران قاجار، کمتر فردی یافت شود که بدین اندازه متهم به اخاذی و سوء استفاده از اتباع ایرانی مقیم محل مأموریتش باشد. اقدام‌های سودجویانه هویدا به سرعت، مسائل مهمی را در روابط خارجی ایران با منطقه خاورمیانه پدید آورد، به طوری که مقامات هر کشوری که در آن جا بسر می برد، آشکارا از رفتار وی ابراز ناخشنودی می کردند.<sup>۲</sup>

مقام‌های وزارت خارجه ایران که امیدوار بودند با واگذاری امور فلسطین به حبیب الله خان هویدا، هم به مشکلات اتباع ایرانی پایان دهند و هم اصول سیاست خارجی خود را برابر بحران فلسطین معلوم کنند نه تنها به هدف نخست نائل نشدند، بلکه در دستیابی به مقصود دوم، با دشواری جدیدی مواجه شدند.

هویدا، اگر چه خطر نفوذ صهیونیسم و رشد آن را در منطقه، بارها به مقام‌های تهران گوشزد کرد این اقدام او نه از سر خیرخواهی و حقوق منافع ملی ایران، بلکه به دلیل رقابت پنهانی بهائیان و صهیونیست‌ها در تصرف فلسطین بود.<sup>۳</sup> وزارت امور خارجه ایران - که تا پیش از عزیمت هویدا به فلسطین، حداقل در سه شهر مهم، دارای نمایندگی سیاسی رسمی بود- در اثر اقدامات او، نه تنها نمایندگی یافا، عکا و حیفا تعطیل شد، بلکه امور فلسطین را نیز ضمیمه شام کرد و ایرانیان فلسطین به سبب حمایت‌های صهیونیست‌ها، همکاری خوبی با هم پیدا کرده بودند.

### درایت مرحوم امام خمینی

حضرت امام خمینی با درایت و هوشیاری، خطر بهائیان را برای اسلام و کشور، جدی دانسته و در درجه اول به روحانیت سفارشی اکید کرد که مردم را از این

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲ش، کارتن ۶۵، دوسیه ۴ (به نقل از علی اکبر ولایتی، ایران و مساله فلسطین، ص ۱۰۰).

۲. گزارش شماره ۲۵۷۰، مورخ ۱۳۰۹/۵/۱۹ سفارت ایران در بغداد، بند ۴، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹، کارتن ۴۸، دوسیه ۶۴/۲۵۶/۲ و همچنین گزارش محرمانه، نمره ۵۱۹، مورخ ۱۳۰۹/۶/۱۶، سرکنسولگری دولت ایران در بیروت (به نقل از علی اکبر ولایتی، ایران و مساله فلسطین، ص ۱۰۴).

۳. علی اکبر ولایتی، ایران و مساله فلسطین، بر اساس اسناد وزارت امور خارجه، ص ۱۰۴، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۷۶ش.

خطر آگاه کنند. آن بزرگوار، در دیداری خطاب به علمای یزد چنین فرمود:

آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست‌های حساسی به دست این فرقه است، که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل، برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی، یا بسته شده یا می‌شود. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم، سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز، روزی نیست که به سیره سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره‌گیری همه چیز را از دست خواهید داد.<sup>۱</sup>

حضرت امام علیه السلام از تسهیلات دولت برای مسافرت دو هزار نفر یا بیشتر از فرقه ضاله، به همراه پرداخت ارز و تخفیف بلیت برای سمیناری که در لندن تشکیل می‌دهند، و در مقابل، مشکلاتی که برای «حجاج بیت الله الحرام»، ایجاد می‌کنند، انتقاد کرده و آن را شاهی بر سوء نیت دولت گرفتند.<sup>۲</sup>

البته روزنامه دنیا (سال ۱۹، شماره ۷۴۱، در ۱۳۴۲/۲/۷) از عزیمت دو هزار زن و مرد بهائی از فرودگاه مهرآباد به لندن خبر داد که دولت، به هر نفر، پانصد دلار به نرخ دولتی ارز پرداخت نمود. علت عزیمت، اجتماع پانزده هزار نفری بهائیت در ۸ اردیبهشت ۴۲ برای معارفه گروه نه نفری رهبران بهائیان بود.<sup>۳</sup>

حضرت امام علیه السلام در ادامه موضع‌گیری‌ها فرمودند:

دو هزار نفر را با کمال احترام، با دادن پانصد دلار ارز به هر یک (پانصد دلار از مال این ملت مسلم به بهائی داده‌اند)، ... [و] به هر یک، هزار و دویست تومان تخفیف هواپیمای [داده‌اند که اینها]، چه بکنند؟ بروند در جلسه‌ای که بر ضد اسلام در لندن تشکیل شده است، شرکت کنند.<sup>۴</sup>

در جای دیگر - با ذکر همین ماجرا - از تخفیف بیست و پنج میلیون تومانی شرکت نفت به ثابت پاسال، (بهایی معروف) سخن به میان آورده و می‌فرماید:

این وضع نفت ما، این وضع ارز مملکت ما، این وضع هواپیمایی ما، این

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۴.

۲. روح الله حسینیان، سه سال مشرف مرجعیت شیعه، ص ۱۶۸.

۳. محمد حسن رجبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ش، ص ۲۵۶.

۴. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۲.



وضع وزیر ما، این وضع همه ما، سکوت کنیم باز؟ هیچ حرفی نزنیم؟ حرف هم نزنیم؟ ناله هم نکنیم؟... این سکوت مرگبار، اسباب می‌شود که زیر چکمه اسرائیل، به دست همین بهائی‌ها، این مملکت ما، نوامیس ما پایمال شود. وای بر ما، وای بر این اسلام، وای بر این مسلمین! ای علما ساکت نشینید!... استقلال مملکت و اقتصاد آن، در معرض قبضه صهیونیست‌ها است که در این حزب بهائی ظاهر شدند، و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود، قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شؤون، ساقط می‌کنند. تلویزیون ایران، پایگاه جاسوسی یهود است و دولت‌ها ناظر آن هستند و آن را تأیید می‌کنند...<sup>۱</sup>

## بهائیت و اقتصاد

در گزارش ساواک از جلسه ناحیه ۲ بهائیان شیراز (در تاریخ ۱۹/۵/۱۳۵۰) آمده است:

جلسه‌ای با شرکت ۱۲ نفر از بهائیان ناحیه ۲ شیراز، در منزل آقای هوشمند و زیر نظر آقای فرهنگی تشکیل گردید. پس از قرائت مناجات، شروع و خاتمه و قرائت صفحاتی از کتاب لوح احمد و ایقان، آقای فرهنگی و محمدعلی هوشمند، پیرامون وضع اقتصادی بهائیان در ایران صحبت کردند. فرهنگی اظهار داشت:

بهائیان در کشورهای اسلام پیروز هستند و می‌توانند امتیاز هر چیزی را که می‌خواهند بگیرند. تمام سرمایه‌های بانکی و ادارات و رواج پول در اجتماع ایران، مربوط به بهائیان و کلیمیان می‌باشد تمام آسماں خراش‌های تهران، شیراز و اصفهان، مال بهائیان است. چرخ اقتصادی این مملکت، به دست بهائیان و کلیمیان می‌چرخد. شخص هویدا، بهایی‌زاده است. او یکی از بهترین خادمان امرالله است و امسال، پانزده هزار تومان به محفل ما کمک نموده است. آقایان بهائیان! نگذارید کمر مسلمانان راست شود...<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۳۴-۳۵.

۲. عبدالله شهبازی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۲، ص ۳۸۵.

بهایان، با تمام وجود، خود را در اختیار اسرائیلی‌ها قرار دادند، به گونه‌ای که توانستند اعتماد بیش از حد اسرائیلی‌ها را به دست آورند و اسرائیلی‌ها نیز برابر خوش‌خدمتی آنها، رفتار ویژه‌ای داشتند. «فریدون رامش‌فر» که بهایی است، در مسافرتی که به اسرائیل داشته درباره نحوه برخورد اسرائیلی‌ها با بهائیان می‌گوید: دولت اسرائیل، آن قدر نسبت به بهائیان، خوشبین است که در فرودگاه خود، احیا (بهایان) را بازرسی نمی‌کند؛ ولی بقیه مسافرین و حتی کلیمی‌ها را بازرسی می‌کنند. به طوری که یک کلیمی اعتراض کرده بود که چرا بهائیان را بازرسی نمی‌کنید و ما را که این‌جا موطنمان است، مورد بازرسی قرار می‌دهید.<sup>۱</sup>

### بهایت پس از شوقی افندی

بهایت - به ویژه - پس از مرگ شوقی افندی چهره اصلی مورد نظر بانیان خود را نمایان ساخت و در جهت اهداف پدید آورندگان اصلی خود، کارآیی خویش را در معرض دید عموم گذاشت. اگر نگاهی تطبیقی به عملکرد این فرقه در سراسر جهان بیندازیم، روشن می‌شود این فرقه تا چه اندازه ابزار دست سیاستمداران مستبد جهان شده و در راستای اهداف صهیونیسم بین‌المللی در کشورهای اسلامی و برای تضعیف دین مبین اسلام به کار رفته است. حتی اگر کارآیی آن را در مقایسه با مکتب‌هایی مانند کمونیسم - که ادعای دیانت ندارند - به نظاره بنشینیم، روشن می‌شود که چگونه در راستای اهداف سیاسی بیگانگان در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. این عملکرد، مدیون تشکیلاتی است که از زمان شوقی افندی به کار گرفته شد و بیت‌العدل در اسرائیل تأسیس شد.<sup>۲</sup>

### عملکرد امروز بهائیت

آنان از اسرائیل برای زنده نگه‌داشتن آیین خود کمک می‌گیرند و مسئولین رژیم غاصب هم با توجه به اهداف مشترکشان، از آنان حمایت می‌کنند، برای نمونه به خبر زیر توجه کنید:

۱. جواد منصوری، تاریخ قیام پانزدهم خرداد به روایت اسناد، ص ۳۳۰.

۲. دکتر زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۶۲.

سه شنبه، اول خرداد ۱۳۸۰ش، مصادف با سالروز رحلت حضرت رسول اکرم ﷺ، رژیم صهیونیستی، برای تجمع فرقه ضاله بهائیت به منظور افتتاح یک ساختمان دویست و پنجاه میلیون دلاری در ارتفاع کرمل در حیفا جشن و پایکوبی راه انداخت. ساخت این مجموعه عظیم، با حمایت مستقیم اسحاق رابین (نخست وزیر معدوم رژیم اشغالگر)، از سال ۱۳۷۲ش، زیر نظر دو بهایی فراری به نام‌های مهندس حسین امانت و دکتر فریبرز صهبا، با شدیدترین تدابیر امنیتی آغاز شد. این تصمیم، پس از برگزاری اجتماع سراسری سران بهائیت در نیویورک (۱۹۹۲م) زیر نظر سیا و موساد- با هدف ایجاد قوس و زیارتگاه متناسب با شأن پیامبر دیانت بایی در مدفنش - به مسئولان رژیم اشغالگر ابلاغ شد. در این مراسم ارکستر سمفونیک اسرائیل حاضران را - که میان آنها مسؤولان سیاسی و اقتصادی و امنیتی صهیونیست‌ها و برخی بهائیان اروپا و آمریکا بودند- برای دعا و نیایش همراهی می‌کرد. نکته مهم و قابل توجه این تجمع، حضور خبرنگاران رادیو و تلویزیون‌های مختلف جهان، برای ایجاد پوشش علنی صوتی و تصویری افتتاح کاخ بود. اهدافی که برگزارکنندگان مراسم، خواهان نشر آن، به وسیله این خبرنگاران بودند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. دولت اسرائیل، با نهایت افتخار می‌تواند میزبان همه بهائیان جهان - به ویژه بهائیان ساکن کشورهای اسلامی- باشد.
  ۲. آثار این دیانت مدرن و پیشرفته، که متناسب با جهان توسعه‌یافته قرن ۲۱ است - به صدها زبان و لهجه ترجمه و منتشر شده است و می‌تواند برابر سایر برداشتها و قرائت‌های عقب‌افتاده و متحجرانه بایستند.
  ۳. بهائیت، رو به گسترش است و تعداد بهائیان جهان که متمایل به دولت اسرائیل هستند، بیش از ۶ میلیون نفر است.<sup>۱</sup>
- می‌توان گفت اسرائیل در پی جلب سرمایه‌های بهائیان و مشغول کردن مسلمانان به آنها و فراهم کردن حامی بسیار خوب برای یهودیان است.
- اکنون بهائیت نیز با مظلوم‌نمایی در جوامع بین‌الملل - به ویژه در ایران اسلامی که سرزمین موعود آنها است - در پی آن هستند که بگویند: «ما بر حق هستیم و حقوق ما پایمال شده است». و طبق معمول، استکبار جهانی هم از آنان حمایت

۱. پایگاه اطلاع رسانی موعود (WWW.Mouood.com).

می‌کند، بعنوان نمونه وقتی جامعه بهائی نامه‌ای به آقای خاتمی (رئیس جمهوری وقت ایران) می‌نویسند و تظلم‌خواهی می‌کنند، برخی سازمان‌های بین‌المللی، با استناد به همین نامه، ایران را به نقض حقوق بشر محکوم می‌کنند. به گفته یکی از صاحب نظران: «این نامه در شرایطی - به صورت گسترده - توزیع شد که در کنار تهدید ایران به وسیله اسرائیل، فشار آمریکا و اروپا بر ضد فعالیت‌های هسته‌ای ایران اوج گرفته و آنها هر روز بخشی از جنگ روانی و تبلیغاتی خود را در این باره انجام می‌دهند، تا جایی که تونی بلر و جک استراو، نخست وزیر و وزیر امور خارجه انگلیس اعلام کردند که پس از پرونده هسته‌ای، پرونده حقوق بشر در ایران در دستور کار قرار می‌گیرد و در این بین، جامعه بهائیان هم مورد استفاده ابزاری صهیونیسم‌ها قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

چندی پیش هم اعلام کردند بهائیان و صوفیان در ایران آزاد نیستند، باید از حقوق آنها دفاع کرد. جالب این است که برخی روشنفکران داخلی هم به بهانه دفاع از حقوق بشر، از جامعه بهائی و گروه‌های انحرافی ضاله حمایت می‌کنند. امیدواریم اینها - مانند جامعه بهائی - جاسوس یا عامل صهیونیسم‌ها نباشند. شبکه‌های خبری وابسته به صهیونیسم نیز در اختیار تبلیغات این فرقه است که با تکیه بر مظلومیت آنان و حق آزادی عقیده، برای آنان تبلیغات کرده، و نظام مقدس جمهوری اسلامی را - که با آنان اختلاف ریشه‌ای دارد - محکوم می‌کنند.

در مجموع امروز بهائیت یک تشکیلات بین‌المللی است و شهر عکا (قبله بهائیان که در اسرائیل قرار دارد) مرکز همبستگی و پیوند آنها با صهیونیسم - به ویژه در امور اقتصادی - است. البته بیشترین پیروان بهائیت، در کشور آمریکا ساکنند. تشکیلات آنان در تمام کشورهای جهان به ویژه کشورهای آفریقایی و آسیایی - شعبه دارد و برای خود تبلیغ می‌کنند. اهداف آنان با اهداف صهیونیسم گره خورده و به یکدیگر احترام متقابل دارند. آنان برای نابودی مسلمانان به ویژه شیعیان - تلاش مضاعفی از خود نشان می‌دهند. باید بیش از پیش هوشیار بود چرا که دست صهیونیست‌ها کاملاً نمایان است.

۱. سایت بازتاب، ۲۳ آذر ۸۳، مقاله شهریار رضوان طلب، ذیل عنوان «پشت پرده شب‌نامه بهائیان».